



## بررسی رابطه سبک های فرزندپروری با خودپنداره تحصیلی دانش آموزان دختر

سمیه آزاد<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>دانشگاه الزهرا س / [somayezad121@gmail.com](mailto:somayezad121@gmail.com)

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک های فرزندپروری با خودپنداره تحصیلی دانش آموزان دختر انجام شده است. روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش آموزان دختر مقطع اول متوسطه منطقه ۶ آموزش و پرورش تهران بود که در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ مشغول به تحصیل بودند. نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ دانش آموز دختر بود که به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه سبک های فرزندپروری با مریند (PSI) و پرسشنامه خودپنداره تحصیلی ASCQ می باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که خودپنداره تحصیلی با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه معنی دار مستقیم دارد و می توان ۴۸ درصد از واریانس خودپنداره تحصیلی را به وسیله سبک مقتدرانه فرزند پروری پیش بینی کرد. سبک فرزندپروری مستبدانه با خودپنداره تحصیلی رابطه معنی دار غیرمستقیم دارد و سبک مستبدانه می تواند ۵۳ درصد از واریانس خودپنداره تحصیلی را پیش بینی کند. نتایج همچنین نشان داد که بین خودپنداره تحصیلی و سبک فرزندپروری سهل گیرانه رابطه معنی دار وجود ندارد. با توجه به یافته های پژوهش پیشنهاد می شود که والدین از سبک فرزندپروری مقتدرانه منطقی برای ارتقای میزان خودپنداره تحصیلی فرزندان خود استفاده کنند.

### واژه های کلیدی

سبک فرزندپروری، با مریند، خودپنداره، خودپنداره تحصیلی

### مقدمه

خودپنداره یکی از مهمترین عوامل موفقیت در زندگی افراد می باشد. اگر فرد توانایی ها و استعدادهای تحصیلی خود را بشناسد و تلقی و برداشت مثبتی از توانایی های خود داشته باشد، این امر موجب افزایش بازدهی، کارآمدی و تحقق اهداف وی می باشد (زندوانیان نائینی، نصرتی ناهوک و رحیمی، ۱۳۹۴). خودپنداره را می توان به عنوان ترکیبی از کلیه افکار و احساساتی که شخص نسبت به خود دارد و یا تصویر وی از خویشتن، تعریف نمود (برزگر، ۱۳۸۱). کراون، مارش و سیمپسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) خودپنداره را در سه سطح طبقه بندی کرده اند: خودپنداره کلی، خودپنداره تحصیلی و خودپنداره

غیرتحصیلی. خودپنداره تحصیلی به این که چگونه در مدرسه عمل می کنیم و چگونه یاد می گیریم، مرتبط است (بنی هاشم، بدلی و عجمی، ۱۳۹۳). چنگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) خودپنداره تحصیلی را شاخص تصور دانش آموزان از خود و رابطه آن با پیشرفت سایر دانش آموزان کلاس تعریف می کنند (به نقل از حسن زاده و وطن دوست، ۱۳۹۶). خلایلا<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) خودپنداره تحصیلی را ادراک شخصی فرد از خودکارآمدی در موضوعات درسی می داند. در این راستا عامل هایی مانند تجارب موفقیت یا شکست تحصیلی در سال های نخست یادگیری آموزشگاهی، ابتدا تصورات مربوط به توانایی هایش نسبت به موضوعات درسی (عاطفه مربوط به موضوع درسی) تحت تأثیر قرار می گیرد و پس از کسب تجارب بیشتر، عاطفه مربوط به آزمایشگاه و سرانجام خودپنداره تحصیلی شکل می گیرد (بنی هاشم، بدلی و عجمی، ۱۳۹۳). افرادی که در انجام کارها، خود را اثربخش تر، مطمئن تر و توانمندتر می دانند در مقایسه با سایرین از خودپنداره تحصیلی بالایی برخوردار هستند و بالطبع چنین خودپنداره ای منجر به رشد و پیشرفت تحصیلی فرد و عدم بروز هیجانات منفی در وی می شود (گینوسز، اکلز و نوک،<sup>۴</sup> ۲۰۱۵).

بنابراین، می توان گفت که شکل گیری خودپنداره تحصیلی مثبت در افراد هم از عوامل متنوعی از قبیل تجارب شکست و موفقیت قبلی تأثیر می پذیرد و هم خود این متغیر بر عوامل متعددی از قبیل پیشرفت تحصیلی، عزت نفس و خودکارآمدی دانش آموزان و فرزندان تأثیر دارد (هاشمی، ۱۳۷۵). به نظر می رسد یکی از عوامل مهم در شکل گیری خودپنداره تحصیلی می تواند شیوه تربیت و سبک فرزندپروری والدین باشد. رابطه بین فرزندان و والدین را می توان به عنوان نظام یا شبکه ای دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند. مجموعه ای از رفتارها که تعیین کننده ارتباطات متقابل والد-فرزند در موقعیت های متفاوت و گسترده که موجب ایجاد یک فضای تعامل گسترده می شود را می توان به سبک فرزندپروری والدین در نظر گرفت (دومنچ-رودریگز، دونویچ و کراولی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹؛ بورنستین و زلانتیک<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸). شیوه های فرزندپروری مجموعه ای از گرایش ها، اعمال و جلوه های غیرکلامی که ماهیت تعامل کودک و

<sup>۲</sup> Cheng

<sup>۳</sup> Khalaila

<sup>۴</sup> Gniewosz, Eccles, & Noack

<sup>۵</sup> Domènech Rodriguez, Donovick, & Crowley

<sup>۶</sup> Bornstein, & Zlotnik

<sup>۱</sup> Craven, Marsh, & Simpson